

تحلیل مقابله‌ای بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی کاوه بهرامی^۱

چکیده

مقاله حاضر به بررسی و تحلیل بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی می‌پردازد. یکی از انواع بندهای پیرو که جزو وابسته‌های فعل به شمار می‌آید، بند متممی است. بند متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی بسته به نوع ظرفیت فعل جمله، انواعی دارد. در مقاله پیش رو سعی شده تا با ارائه نمونه‌هایی، علاوه بر معرفی انواع بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی، جایگاه این گونه از بند متممی در مقایسه با بند اصلی نشان داده شود. نتایج این پژوهش می‌تواند به بخشی از پرسش‌های مطرح درباره مشکلات زبان‌آموزان ایرانی و آلمانی در ساخت این‌گونه از بندها پاسخ دهد. از جمله نتایج این تحقیق می‌توان به امکان تغییر جایگاه فعل در بندهای متممی در زبان آلمانی، امکان حذف فاعل در بندهای متممی در زبان فارسی و شرایط حذف حرف ربط در ساختار بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: بند متممی فاعلی، بند متممی مفعولی، حرف ربط، ظرفیت فعل، زبان آلمانی

مقدمه

ساختار بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی تفاوت‌هایی دارد که بررسی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر می‌تواند علت برخی از مشکلات زبان‌آموزان ایرانی و آلمانی را در این بخش مشخص کند. از جمله تفاوت‌های بارز میان ساختار بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی که می‌تواند زبان‌آموزان را با دشواری‌های روبرو سازد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: امکان تغییر جایگاه فعل در بندهای متممی در زبان آلمانی، امکان حذف فاعل در بندهای متممی در زبان فارسی، امکان حذف حرف ربط در ساختار بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی و همچنین صرف شدن و یا به کارگیری فعل بند متممی به صورت مصدر در زبان آلمانی. مقاله حاضر با قیاس ساختار بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی سعی بر آن دارد تا علاوه بر نشان دادن انواع بندهای متممی در این دو زبان، جایگاه این بندها را در ارتباط با بند اصلی تبیین کند و تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان ساختار بندهای متممی در زبان‌های یادشده را بررسی کند. در بحث جایگاه بند متممی، هر دو زبان با محدودیت‌هایی روبرو هستند که با ارائه نمونه‌هایی این محدودیت‌ها را نشان خواهیم داد. بنابراین، بخش نخست مقاله به معرفی انواع بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی اختصاص دارد. برای هر یک از انواع این بندها سعی بر این است تا نمونه‌ای از هر دو زبان ارائه شود و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن مورد بررسی قرار گیرد. علاوه بر این، به برخی از ابهاماتی که در منابع دستوری در ارتباط با تقسیم‌بندی بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی وجود دارد، اشاره خواهیم کرد. در بخش دوم مقاله به جایگاه بندهای متممی در هر دو زبان می‌پردازیم. در این بخش تفاوت‌های متعددی میان زبان فارسی و آلمانی دیده می‌شود که از جمله آنها می‌توان به جایگاه استفاده از ضمیر غیر شخصی در درون بند متممی اشاره کرد.

پیشینه تحقیق

پتر آیزنبرگ^۱ (۲۰۰۶) بندهای پیرو در زبان آلمانی را به سه دسته تقسیم می‌کند: بندهای متممی^۲، بندهای قیدی^۳ و بندهای توصیفی^۴. وی در این تقسیم‌بندی میان بندهایی

1. Peter Eisenberg

2. Komplementsätze

3. Adverbialsätze

4. Attributsätze

که نقش متمم جمله اصلی^۱ را برعهده می‌گیرند و آن‌دسته از بندها که نقش قیدی دارند، تفاوت قائل می‌شود. آیزنبرگ، مهم‌ترین وجه تمایز میان بندهای متممی و قیدی را در وابستگی و یا عدم وابستگی آن‌ها به فعل جمله اصلی می‌داند. وی در توضیح این تقسیم‌بندی تاکید می‌کند:

"بند قیدی ارتباطی با ظرفیت فعل جمله اصلی ندارد. برخلاف این، بند متممی وابسته به ظرفیت فعل جمله اصلی است و می‌تواند در نقش فاعل و یا مفعول فعل جمله اصلی ظاهر شود." (۲۰۰۶:۳۱۸)

این تقسیم‌بندی از سوی دیگر دستورنویسان آلمانی از جمله پیتنر و برمان^۲ (۲۰۰۸:۱۱۲)، دورشاید^۳ (۲۰۰۷:۷۷) و همچنین زمرفلد و اشتارکه^۴ (۱۹۹۸:۲۳۶) نیز مورد تایید قرار گرفته است. برای مشخص شدن تفاوت موجود میان دو گونه بند پیرو قیدی و بند پیرو متممی در زبان آلمانی نمونه‌های زیر را ملاحظه کنید:

1-Er sagte, dass Peter recht hat.

او گفت که حق با پیتر است.

2- Er kommt heute nicht, weil er krank ist.

او امروز نمی‌آید، زیرا که بیمار است.

در نمونه (۱) فعل جمله اصلی "sagen" (گفتن) به یک مفعول مستقیم نیاز دارد که در اینجا از طریق بند متممی مفعولی نمایان شده است. بنابراین، بند متممی با ظرفیت فعل بند پایه ارتباط مستقیم دارد. حال به نمونه (۲) توجه کنیم. در این مثال جمله اصلی، بدون حضور بند پیرو نیز دستوری است و معنای کاملی را منتقل می‌کند. به عبارت دیگر، بند پیرو از لحاظ نحوی کمکی به کامل شدن ساختار جمله نمی‌کند، بلکه تنها از جهت معنا، دلیل "نیامدن شخص" را تشریح می‌کند. از همین رو به این نوع بند در دسته-بندی بندهای قیدی، بند علت‌ساز گفته می‌شود (ر.ک. ماهوتیان ۲۰۰۶:۳۹). دسته سوم از بندهای پیرو در زبان آلمانی بندهای توصیفی نام دارند که خود جزء اصلی جمله نیستند،

1. Hauptsatz

2. Pittner, Karin/Berman, Judith

3. Christa Dürscheid

4. Sommerfeldt, Karl-Ernst/Starke, Günter

بلکه اسم و یا گروه اسمی را توصیف می‌کنند. شناخته‌شده‌ترین نوع بند توصیفی در زبان آلمانی، بند موصولی^۱ است (ر.ک. بهرامی ۱۳۹۳).
3-Die Frage, die er gestellt hat, ist interessant.

پرسشی که او مطرح کرده، جالب است.

در نمونه (۳) اسم "die Frage" (پرسش) فاعل جمله اصلی است که از طریق بند موصولی توصیف شده است. در این نمونه نیز ارتباط مستقیمی میان بند موصولی و ظرفیت فعل جمله اصلی (فعل sein) وجود ندارد.

طیب‌زاده نیز همین دسته‌بندی را در مورد بندهای پیرو در زبان فارسی تایید می‌کند:

"بندها یا جمله‌های پیرو در زبان فارسی دارای سه نقش گوناگونند: (۱) بند وصفی که اسم را توصیف می‌کند. (۲) بند قیدی که، به عنوان قید جمله، کل جمله را توصیف می‌کند. (۳) بند متممی که یکی از وابسته‌های مستقیم یا متمم‌های فعل محسوب می‌شود." (۱۳۸۶:۲۱۱)

ماهوتیان (۲۰۰۶)، غلامعلی‌زاده (۱۳۸۶) و احدی (۲۰۰۱) نیز دسته‌بندی طیب‌زاده را درباره بندهای پیرو در زبان فارسی مورد تایید قرار داده‌اند و در آثار خود از همین طبقه‌بندی پیروی کرده‌اند.

بحث و بررسی

انواع بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی

احدی (۲۰۰۱) در توصیف بندهای متممی در زبان فارسی به این نکته توجه دارد که منظور از این بندها، وابسته‌های فعل جمله پایه است که نقش نحوی فاعل، مفعول و دیگر نقش‌های نحوی را برعهده می‌گیرند. در اینجا به معرفی و بررسی انواع بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی می‌پردازیم. نخست به نقش نحوی فاعل بند اصلی اشاره می‌کنیم که در زبان آلمانی به آن Subjektsatz گفته می‌شود و معادل آن در ساخت زبان فارسی **بند متممی فاعلی** است.

4- Es ist besser, dass wir zu Fuß gehen.

بهتر است که پیاده برویم.

1. Relativsatz

در این نمونه مشاهده می‌کنیم که نقش نحوی ضمیر غیرشخصی "es" در جمله پایه توسط بند پیرو نمایان شده است. به عبارت دیگر، بند فاعلی جایگاه نحوی فاعل جمله پایه را که در اینجا همان ضمیر غیرشخصی است، برعهده گرفته است. برای نشان دادن این نقش می‌توان بند فاعلی را جایگزین ضمیر غیرشخصی "es" کرد:

5- Dass wir zu Fuß gehen, ist besser.

(اینکه) پیاده برویم، بهتر است.

در زبان فارسی نیز در هنگام ساخت بندهای متممی فاعلی، شناسه فعل جمله پایه در حالت سوم شخص مفرد قرار دارد و بسته به معنای جمله، فعل بند متممی فاعلی می‌تواند در وجه التزامی (۶) و یا اخباری (۷) به کار رود.

۱- لازم بود که من آنها را ببینم.

۲- معلوم هست که شما کجا می‌روی؟

احدی (۲۰۰۱:۱۹۸) نیز این نظر را به درستی تایید می‌کند که بندهای فاعلی در زبان‌های آلمانی و فارسی از ساختار مشابهی برخوردار هستند. بند متممی مفعولی^۱ گونه‌ی دیگری از بندهای متممی است که در جایگاه مفعول مستقیم فعل جمله پایه نمایان می‌شود.

8- Er sagt, dass er keine Zeit hat.

او گفت که [Ø] وقت ندارد.

در اینجا به ویژگی‌ای در بندهای متممی مفعولی در زبان فارسی اشاره می‌کنیم که شباهتی با همین دسته از بندهای متممی در زبان انگلیسی دارد. همان گونه که در نمونه آلمانی (۸) قابل مشاهده است، با وجود یکی بودن فاعل بند پایه و بند متممی، فاعل که در اینجا ضمیر شخصی "er" (او/مذکر) است، در هر دو بند آمده است. حذف فاعل بند متممی مفعولی در این مورد، جمله را غیردستوری خواهد کرد. اما در زبان فارسی می‌توان در صورت یکی بودن فاعل جمله پایه با فاعل بند متممی، فاعل بند متممی را

1. Akkusativobjektsatz

حذف کرد. توماس پین^۱ (۲۰۰۶) با ارائه نمونه‌هایی این شرایط را درباره زبان انگلیسی نیز تایید می‌کند، به شرط آنکه جمله چنان پیچیده و طولانی نباشد که تشخیص فاعل بند متممی مفعولی، مخاطب را دچار سردرگمی کند (ر.ک. پین ۲۰۰۶: ۲۹۲). نکته دیگری که درباره بندهای متممی مفعولی در زبان فارسی حائز اهمیت است، امکان حذف حرف ربط "که" در این گونه از جمله‌ها است. حذف حرف ربط "که" در ساخت جمله‌های متممی مفعولی رایج‌تر است. در این مورد نیز می‌توان زبان فارسی را با زبان انگلیسی مقایسه نمود که در آن امکان حذف حرف ربط در ساخت بندهای متممی مفعولی وجود دارد.

9- I know Ø you are left-handed.

10- I know that you are left-handed.

می‌دانم (که) تو چپ‌دست هستی

پین نمونه‌هایی نظیر مثال (۹) را که در آن از حرف ربط برای ساخت بند متممی استفاده نشده است، در زبان انگلیسی ممکن می‌داند و معتقد است که این بندها در واقع بدون حرف ربط (حرف ربط تهی یا صفر) و یا آنگونه که وی بیان می‌کند با *zero complementizer* ساخته شده‌اند. امکان حذف حرف ربط در ساخت جملات متممی مفعولی در زبان آلمانی نیز وجود دارد. در اینجا اما تفاوتی میان این دست از جمله‌ها در زبان آلمانی با ساخت مشابه آنها در زبان‌های فارسی و انگلیسی دیده می‌شود. برخلاف بندهای متممی‌ای که با حرف ربط ساخته می‌شوند، در صورت عدم استفاده از حرف ربط در زبان آلمانی، فعل صرف شده‌ی بند متممی در انتهای جمله قرار نمی‌گیرد، بلکه به جایگاه پس از فاعل بند متممی منتقل می‌شود.

11- Er sagt, dass er keine Zeit hat.

12- Er sagt, er hat keine Zeit.

همانطور که در نمونه‌های بالا قابل مشاهده است، فعل صرف‌شده در بند متممی مفعولی در صورت عدم استفاده از حرف ربط "dass" (که) به جایگاه پس از فاعل منتقل می‌شود (مثال ۱۲). این در حالی است که در نمونه‌هایی که از زبان‌های فارسی و انگلیسی ارائه شد، مشاهده کردیم که استفاده و یا عدم استفاده از حرف ربط، تاثیری

1. Thomas Payne

2. Null-Komplementierer

بر ترتیب قرارگرفتن اجزاء تشکیل‌دهنده بند متممی مفعولی ندارد. تفاوت دیگری که میان ساخت بند متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی دیده می‌شود، امکان ساخت این دست از بندها با استفاده از ساخت مصدر فعل در زبان آلمانی است. این در حالی است که در زبان فارسی، فعل بند پایه حتماً صرف می‌شود و استفاده از مصدر در بند متممی جمله را غیردستوری خواهد کرد.

13- Er versprach, zu essen.

او قول داد که غذا بخورد.

همانگونه که در نمونه ۱۳ مشاهده می‌کنیم، به دلیل یکی بودن فاعل جمله اصلی با فاعل بند متممی، فاعل دوم در این بند حذف شده است و فعل نیز به صورت مصدر ظاهر شده است. در برگردان فارسی نمونه بالا می‌بینیم که فاعل در بند متممی به دلیل یکی بودن با فاعل جمله اصلی حذف شده است. اما برخلاف نمونه آلمانی، فعل بند پیرو صرف شده است. در غیر این صورت جمله به لحاظ دستوری نادرست است.

۱۴- او قول داد که غذا خوردن.

پیش‌بینی می‌شود با توجه به عدم استفاده از این ساخت در زبان فارسی، زبان‌آموزان ایرانی زبان آلمانی در هنگام یادگیری ساخت بندهای متممی با مصدر با دشواری‌هایی روبرو شوند. دیگر ساختار موجود در میان گونه‌های بند متممی، بند متممی حرف اضافه‌ای است. این ساختار در زبان فارسی در ارتباط با افعالی مطرح می‌شود که در ظرفیت خود به مفعول حرف اضافه‌ای نیاز دارند. این مفعول می‌تواند در قالب بند متممی ظاهر شود. احدی (۲۰۰۱) بر این نظر است که آن دسته از افعالی که در ظرفیت خود دو مفعول مستقیم و غیرمستقیم را جای داده‌اند، می‌توانند برای بیان یکی از دو مفعول (غالباً مفعول غیرمستقیم)، از بند متممی حرف اضافه‌ای استفاده کنند.

۱۵- علی موافقت کرد که این برنامه را اجرا کنیم.

۱۶- علی با اجرای این برنامه موافقت کرد.

در زبان آلمانی نیز مفعول حرف اضافه‌ای^۱ در ارتباط با افعالی مطرح است که با یک و یا چند حرف اضافه مشخص به کار می‌روند که همگی جزو ظرفیت فعل محسوب می‌شوند. در منابع دستور زبان آلمانی گونه‌ای از بند متممی نیز به همین نام وجود دارد: بند متممی حرف اضافه‌ای^۲ (Pittner/Berman 2008). فعل "موافقت کردن یا موافق بودن" (einverstanden sein) که در نمونه‌های بالا ذکر شد، در زبان آلمانی نیز همراه با حرف اضافه‌ی "با" (mit) کاربرد دارد.

17- Ich bin damit einverstanden, früher wegzufahren.

من موافق هستم که زودتر حرکت کنیم.

در این نمونه می‌بینیم که مفعول حرف اضافه‌ای در قالب یک بند پیرو نمایان شده است. اما نکته قابل توجه در اینجا این است که فعل بند پیرو به صورت مصدر آمده و همانطور که پیشتر نشان دادیم، صرف نشده است. در زبان آلمانی نیز چنانچه از حرف ربط برای ساخت بند پیرو استفاده کنیم، فعل بند پیرو صرف خواهد شد.

18- Sie hat sich darüber gefreut, dass es regnet.

او خوشحال شد که باران می‌بارد.

یکی از حروف اضافه‌ای که در زبان آلمانی همراه با فعل "sich freuen" (خوشحال بودن) کاربرد دارد، حرف اضافه "über" (در اینجا به معنای "از") است. نکته‌ای که در این مورد حائز اهمیت به نظر می‌رسد، جایگاه این حرف اضافه در زبان آلمانی است. چنانچه این حرف اضافه را به ابتدای جمله منتقل کنیم، نقش دستوری جمله تغییر می‌کند:

19- Darüber, dass es regnet, hat sie sich gefreut.

از این موضوع که باران می‌بارد، او خوشحال شد.

این جابجایی باعث می‌شود که بند پیرو، نقش بند توصیفی به خود گیرد و در واقع توصیفی باشد برای موضوعی که خوشحالی فاعل را در پی داشته است. نوع دیگری از متمم فعل در زبان فارسی که می‌تواند به شکل بند متممی ظاهر شود،

1. Präpositionalobjekt

2. Präpotionalobjektsatz

مفعول نشانه اضافه‌ای^۱ است. این نوع از مفعول نیز که از طریق کسره اضافه به جزء غیرفعلی افعال مرکب می‌پیوندد، می‌تواند در قالب یک بند پیرو نمایان شود.

۲۰- او باعث اخراج کردن من شد.

۲۱- او باعث شد که من را اخراج کنند.

مفعول نشانه اضافه‌ای می‌تواند بسته به نوع فعل با نشانه‌ی "را" نیز به کار رود:

۲۲- او دستور حمله را داد.

۲۳- او دستور داد که حمله کنند.

احدی (۲۰۰۱) در تقسیم‌بندی متمم‌های فعل در زبان فارسی میان دو گونه‌ای که در بالا نشان داده شد، تفاوت قائل می‌شود. وی دسته نخست را "متمم اضافه‌ای" و دسته دوم را "متمم اضافه‌ای رایبی" می‌نامد. در زبان آلمانی نیز نمونه‌ای نزدیک به این بند وجود دارد. مفعول نشانه اضافه‌ای^۲ در زبان آلمانی می‌تواند در قالب یک بند متممی ظاهر شود. در نمونه زیر می‌بینیم که فعل "sich vergewissern" (اطمینان حاصل کردن) به همراه مفعول نشانه اضافه‌ای کاربرد دارد که در اینجا به شکل یک بند پیرو نمود پیدا کرده است.

24-Er vergewissert sich, dass die Fenster geschlossen waren.

او مطمئن شد که پنجره‌ها بسته شده‌اند.

گفتنی است، در زبان آلمانی افعالی که در ظرفیت خود به مفعول اضافی نیاز دارند تا حدود زیادی کاربرد خود را از دست داده‌اند و بیشتر با استفاده از مفعول حرف اضافه‌ای به کار می‌روند. در مواردی نیز که همانند فعل ذکرشده در بالا هنوز استفاده از مفعول اضافی کاربرد دارد، ترجیح سخنوران آلمانی در استفاده از این افعال به همراه بند متممی است.

دو نوع دیگر از متمم‌های فعل که از سوی احدی مطرح شده است، متمم اسمی و متمم صفتی^۳ نام دارند که می‌توانند در قالب بندهای متممی ظاهر شوند. وی با ارائه

۱. ر.ک. طبیب‌زاده ۱۳۱:۱۳۸۵.

2. Genitivobjektsatz

3. Adjektival-/Nominalergänzung

افعالی همچون "به نظر رسیدن" این موضوع را مطرح می‌کند که در ظرفیت این افعال نوعی از متمم دیده می‌شود که آن را متمم صفتی می‌نامیم:

۲۵- او خسته به نظر می‌رسد.

۲۶- به نظر می‌رسد که او خسته است.

۲۷- او خسته است.

در ارتباط با این متمم فعلی در زبان فارسی نیز میان دستورنویسان اختلاف نظر وجود دارد. طبیب‌زاده (۱۳۸۵)، با این استدلال که فعل "به نظر رسیدن" را می‌توان با فعل ربطی و یا اسنادی "بودن" جایگزین کرد (نمونه ۲۷)، این فعل را نیز در گروه افعال ربطی در زبان فارسی دسته‌بندی می‌کند. با قبول این استدلال، می‌توان متمم اسمی و متمم صفتی را در یک گروه جای داد. بر این اساس این گروه از متمم‌های افعال فارسی را که می‌توانند در قالب بندی پیرو نمایان شوند، "بند متممی اسنادی" در نظر می‌گیریم. در این حالت هم متمم اسمی و هم متمم صفتی را می‌توان در گروه متمم اسنادی قرار داد:

۲۸- او دبیر فیزیک به نظر می‌رسد.

۲۹- به نظر می‌رسد که او دبیر فیزیک است.

در زبان آلمانی نیز افعال همانند بودن (sein)، شدن /گشتن (werden) و ماندن / باقی ماندن (bleiben) که در منابع دستور زبان آلمانی به آنها "Kopulaverben" (افعال ربطی) گفته می‌شود، می‌توانند به همراه بند پیرو در ساخت جمله به کار روند (ر.ک. آیزنبرگ ۲۰۰۶:۸۵):

30- Sie bleibt, wie sie ist.

او همانطور که هست، می‌ماند.

اما گروه دیگری از افعال در زبان فارسی وجود دارند که در ظرفیت آنها بندی متممی به عنوان متمم اجباری فعل دیده می‌شود. به بیان دیگر، نمایان شدن مفعول در این دست از افعال تنها از طریق بند پیرو ممکن است. طبیب‌زاده (۱۳۸۵:۱۴۲) این‌گونه از

متمم‌های فعل در زبان فارسی را **بند متممی**^۱ نامیده است. طبیب‌زاده در تشریح بندهای متممی می‌نویسد:

"برخی از افعال فارسی فقط با یک بند متممی به کار می‌روند، یعنی بندی که اولاً حذف آن جمله را بدساخت و یا ناقص می‌کند، و ثانیاً به جای آن از هیچ متمم دیگری نمی‌توان استفاده کرد. این امر نشان می‌دهد که بند متممی [...] خود متممی مشخص است و نباید آن را به عنوان شکل تغییر یافته متمم‌های دیگری چون مفعول یا مفعول حرف اضافه‌ای در نظر گرفت." (۱۴۲)

نمونه‌های زیر بحث را روشن‌تر می‌کند:

۳۱- او وظیفه دارد که کار کند.

۳۲- او وظیفه دارد.

۳۳- او کار کردن را وظیفه دارد.

۳۴- او به کار کردن وظیفه دارد.

۳۵- او وظیفه‌ی کار کردن دارد.

تغییر بند متممی در نمونه ۳۱ به مفعول مستقیم (نمونه ۳۳)، به مفعول حرف اضافه‌ای (نمونه ۳۴) و به متمم نشانه اضافه‌ای (نمونه ۳۵) جمله را بدساخت و غیردستوری خواهد کرد. حتی حذف بند متممی از ساختار جمله نیز که در نمونه ۳۲ رخ داده است، جمله را غیردستوری می‌کند. از همین رو می‌بایست، بند متممی را به عنوان گونه‌ای از متمم‌های فعل در زبان فارسی به شمار آوریم و نه آنطور که از سوی احدی مطرح شده است، تنها به عنوان ساخت جایگزینی برای سایر متمم‌های فعل.

جایگاه بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی

در این بخش برخی از جایگاه‌هایی را که هر یک از بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی می‌توانند در آن قرار گیرند، نشان می‌دهیم و محدودیت‌های موجود در زبان‌های ذکر شده را بررسی می‌کنیم. همانطور که در اغلب نمونه‌های ذکر شده از زبان

فارسی مشاهده کردیم، بندهای متممی در این زبان غالباً به صورت بند متممی پسین^۱ کاربرد دارند. یکی از تفاوت‌های موجود میان جایگاه بند متممی فاعلی در زبان‌های فارسی و آلمانی در استفاده از ضمیر است. در زبان فارسی استفاده از ضمیر "این" هنگامی اجباری است که بند متممی فاعلی در جایگاه پیشین (پیش از فعل بند اصلی) قرار گیرد. به عبارت دیگر چنانچه بند متممی فاعلی در نمونه زیر به صورت پسین آورده شود، نیازی به استفاده از ضمیر "این" نیست.

۳۶- لازم بود، که من تو را ببینم.

۳۷- این که من او را ببینم، لازم بود.

۳۸- من او را ببینم، لازم بود.

در نمونه (۳۷) که بند متممی فاعلی به جایگاه پیش از فعل بند اصلی منتقل شده است، استفاده از ضمیر "این" الزامی است. این در حالی است که استفاده از ضمیر غیر شخصی "es" در زبان آلمانی، برخلاف این حالت است. استفاده از ضمیر در زبان آلمانی هنگامی اجباری است که بند متممی فاعلی در جایگاه پس از فعل بند اصلی قرار گیرد و نه همانند زبان فارسی پیش از آن.

39- Es war nötig, dass ich dich sehe.

40- Dass ich dich sehe, war nötig.

همین وضعیت در مورد بندهای متممی مفعولی نیز صدق می‌کند. کاربرد ضمیر "این" در اینگونه از بندهای متممی در زبان فارسی هنگامی الزامی است که بند متممی به جایگاه پیش از فعل بند اصلی منتقل شود.

۴۱- مریم می‌داند که من امروز امتحان دارم.

۴۲- این را که من امروز امتحان دارم، مریم می‌داند.

۴۳- من امروز امتحان دارم، مریم می‌داند.

در اینجا نیز ضمیر غیر شخصی "es" در زبان آلمانی در درون بند اصلی قرار می‌گیرد. این در حالی است که نمونه‌های بالا نشان دادند که در زبان فارسی ضمیر، در درون بند متممی جای می‌گیرد. حال برگردان مثالهای بالا را در زبان آلمانی ملاحظه کنید:

44- Maryam weiß es, dass ich heute eine Prüfung habe.

۱. بند متممی پسین به جایگاه بند متممی پس از فعل بند اصلی گفته می‌شود.

۲. به ضمیر غیر شخصی se در زبان آلمانی Korrelat نیز گفته می‌شود.

45-Dass ich heute eine Prüfung habe, weiß Maryam.

در استفاده از ضمیر غیر شخصی "es"، میان بندهای متممی فاعلی و مفعولی در زبان آلمانی تفاوتی دیده می‌شود که در این جا به آن اشاره می‌کنیم. همانطور که گفتیم ضمیر غیر شخصی "es" در زبان آلمانی در بند اصلی جای می‌گیرد. اما این که ضمیر "این" در درون بند اصلی قبل و یا بعد از فعل اصلی قرار گیرد، تفاوتی ندارد.

46- Es ist besser, dass...

47- Besser ist es, dass...

اما این قاعده درباره بندهای متممی مفعولی در زبان آلمانی وجود ندارد. به این معنا که ضمیر غیر شخصی "es" نمی‌تواند پیش از فعل بند اصلی و در ابتدای جمله قرار گیرد. ساحل و همکار (۲۰۰۹:۱۱) نیز با تاکید بر این موضوع و ذکر نمونه‌های زیر می‌گویند، امکان اینکه ضمیر غیر شخصی "es" در جایگاه پیش از فعل قرار گیرد، در حالت مفعولی وجود ندارد.

48- Er bereut es, dass er ihr geglaubt hat.

او پشیمان است که به وی اعتماد کرده است.

49- Es bereut er, dass er kommt.

او پشیمان است که می‌آید.

در نمونه دوم می‌بینیم که ضمیر غیر شخصی در حالت مفعولی قرار دارد و قرار گرفتن آن در جایگاه پیش از فعل بند اصلی به غیردستوری شدن جمله منجر شده است. تفاوت دیگری که میان بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی دیده می‌شود، در بندهای متممی حرف اضافه‌ای قابل بررسی است. بندهای متممی حرف اضافه‌ای در زبان فارسی بسته به نوع کاربردشان می‌توانند به همراه ضمیر و یا بدون آن ساخته شوند. نمونه زیر را در نظر بگیرید:

۵۰- من (از این) خوشحال شدم که تو در امتحان قبول شدی.

۵۱- از این که تو در امتحان قبول شدی، خوشحال شدم.

استفاده از حرف اضافه "از" در نمونه بالا تا هنگامی که بند متممی پس از فعل بند اصلی قرار گرفته است، اختیاری است. اما چنانچه بند متممی به جایگاه پیش از فعل بند اصلی منتقل شود، استفاده از حرف اضافه "از" به همراه ضمیر "این" الزامی است. در این

بخش می‌توانیم برخلاف نمونه‌هایی که تاکنون ارائه شد، اشتراکی میان بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی به دست آوریم.

52-Drüber, dass du die Prüfung bestanden hast, habe ich mich gefreut.

چنانچه در برگردان فارسی مثال ۵۲ بند پیرو را بندی وصفی در نظر بگیریم، می‌بینیم که این بار برخلاف نمونه‌هایی که در ارتباط با بندهای متممی فاعلی و مفعولی ارائه شد، ضمیر به همراه بند پیرو در جایگاه پیش از فعل بند اصلی قرار گرفته است. استفاده از ضمیر در مورد بندهای متممی نشانه اضافه‌ای اختیاری است.

۵۳- منتظر این شدم که مریم به خانه بیاید.

۵۴- مریم لیاقت این را ندارد که با تو زندگی کند.

برخلاف بندهای متممی فاعلی و مفعولی ضمیر در بند متممی نشانه اضافه‌ای، نه می‌تواند در آغاز بند اصلی قرار گیرد و نه در آغاز بند پیرو.

۵۵- * این که مریم به خانه بیاید، منتظر شدم.

۵۶- * این را که با تو زندگی کند، مریم لیاقت ندارد.

می‌توان نتیجه گرفت که بندهای متممی که در قالب مفعول نشانه اضافه‌ای ظاهر می‌شوند، به اجبار می‌بایست به جایگاه پس از فعل بند اصلی منتقل شوند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد نشان داده شود که با وجود شباهت‌هایی که میان بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی وجود دارد، تفاوت‌هایی بعضاً ساختاری نیز میان دو زبان مشاهده می‌شود. عدم اطلاع از این تفاوت‌ها می‌تواند زبان‌آموزان هر یک از زبان‌های مورد بررسی در این مقاله را دچار اشتباهات دستوری کند. یکی از تفاوت‌هایی که در این مقاله به آن پرداختیم این نکته بود که در هر دو زبان فارسی و آلمانی امکان حذف حرف ربط وجود دارد با این تفاوت که در صورت عدم استفاده از حرف ربط در زبان آلمانی، فعل صرف شده بند متممی در انتهای جمله قرار نمی‌گیرد، بلکه به جایگاه پس از فاعل بند متممی منتقل می‌شود. به عبارتی دیگر بند متممی همانند بند اصلی از ساختار فاعل- فعل- مفعول (SVO) پیروی خواهد کرد. این تغییر جایگاه فعل بند متممی در صورت حذف حرف ربط در زبان فارسی رخ نمی‌دهد.

تفاوت دیگری که میان ساخت بند متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی مشاهده شد، امکان ساخت این گونه از بندها با استفاده از مصدر در زبان آلمانی است. این در حالی است که در زبان فارسی، فعل بند پایه حتماً صرف می‌شود و حضور مصدر در بند متممی جمله را غیردستوری خواهد کرد. یکی دیگر از تفاوت‌های موجود میان بندهای متممی در زبان‌های فارسی و آلمانی، در نوع استفاده از ضمیر است. در زبان فارسی استفاده از ضمیر "این" هنگامی اجباری است که بند متممی فاعلی در جایگاه پیشین قرار گیرد. به کارگیری بند متممی فاعلی در جایگاه پسین بدون استفاده از ضمیر صورت می‌گیرد. مشاهده کردیم که استفاده از ضمیر در زبان آلمانی کاملاً برخلاف زبان فارسی است. همچنین نشان دادیم که امکان اینکه ضمیر غیر شخصی "es" در زبان آلمانی در جایگاه پیش از فعل قرار گیرد، در حالت مفعولی وجود ندارد. این در حالی است که این امکان در زبان فارسی وجود دارد.

منابع

- بهرامی، کاوه. "بررسی بندهای موصولی تحدیدی و توضیحی در زبان‌های فارسی و آلمانی." جستارهای زبانی. زیر چاپ (انتشار آنلاین از ۱۳۹۳) [/http://lrr.modares.ac.ir](http://lrr.modares.ac.ir)
- طیب‌زاده، امید. ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵.
- طیب‌زاده، امید. "بررسی انواع بندهای متممی در زبان فارسی و شیوه نمایش آنها در فرهنگ‌ها." نامه فرهنگستان. (۱۳۸۶): ۲۱۱-۲۳۵.
- غلامعلی زاده، خسرو. ساخت زبان فارسی. تهران: انتشارات احیای کتاب، ۱۳۸۶.
- Ahadi, Shahram. Verbergänzungen und zusammengesetzte Verben im Persischen. Wiesbaden: Reichert Verlag, 2001.
- Dürscheid, Christa. Syntax. Grundlagen und Theorien. 4. überarb. Aufl. Göttingen: Vandenhoeck & Ruprecht, 2007.
- Eisenberg, Peter. Grundriss der deutschen Grammatik. Der Satz. 3. durchgesehene Aufl. Bd. 2. Stuttgart: Metzler, 2006.
- Givón, Talmy. Syntax: An Introduction. 2. überarb. Aufl. 2 vols. Amsterdam [u.a.]: Benjamins, 2001.
- Mahootian, Shahrzad. Persian. 2. Aufl. London [u.a.]: Routledge, 2006.
- Payne, Thomas Edward. Exploring language structure. Cambridge [u.a.]: Cambridge University Press, 2006.
- Pittner, Karin; Berman, Judith. Deutsche Syntax. 3. Aufl. Tübingen: Narr, 2008.
- Sahel, Said; Jonischkait, Julia. Topologie des deutschen Satzes. Unveröffentlichtes Manuskript: Universität Bielefeld, 2009.
- Sommerfeldt, Karl-Ernst; Starke, Günter. Einführung in die Grammatik der deutschen Gegenwartssprache. 3. neu bearb. Aufl. Tübingen: Max Niemeyer Verlag, 1998.